

داستانک

رها کردن همه چیز

سامورایی جوان با همه فنون شمشیرزنی آشنا شده بود، اما می دانست بدون استاد هرگز نمی تواند به قابلیت های نهفته خود دست یابد. برای همین در جست و جوی استاد بی وقفه به این سو و آن سو می رفت و پرس و جو می کرد. سرانجام با استادی آشنا شد که در فنون شمشیرزنی خبره بود. افسانه هایی درباره این استاد ساخته بودند که زبان به زبان می چرخید. او نزد استاد رفت و استاد نیز جوان را پذیرفت، اما روزهای اول را به صحبت هایی کوتاه درباره خلوت ذهن و پرهیز از خشم گذراند. استاد خشم را مانعی در برابر تمرکز می دانست. روزهای بعد نیز به صحبت در اهمیت رها شدن از وابستگی، دل بستن به پیروزی و سر نهادن به تسلیم گذشت. چند ماه گذشت و استاد فقط راجع به مواردی از این دست صحبت کرد. استاد در واقع معتقد بود سامورایی واقعی کسی است که هیچ دلبستگی ای ندارد. نه ترسی، نه آرزویی، نه خواسته ای و نه هیچ مانعی که بتواند جلوی مبارزه را بگیرد. سامورایی جوان اما صحبت های استاد را درک نمی کرد و بیشتر دوست داشت فنون جدید را بیاموزد. با این حال زمان گذشت و بالاخره یک روز سامورایی جوان در مقابل کسی قرار گرفت که قصد جانش را کرده بود. مرد، قاتلی آشنا با فنون رزمی بود که از زندان گریخته بود و برای تصاحب لباس و شمشیر سامورایی جوان قصد داشت او را بکشد. وقتی مرد شمشیر کشید، ناگهان تمام تعلیم استاد پیش چشم سامورایی جوان آمد و او احساس کرد تنها راه پیروزی، تسلیم شدن در برابر مرگ است. جوان در یک آن فهمید کسی که دلبستگی دارد، ترس از دست دادن دارد و تنها کسی می تواند پیروز شود که هیچ خواسته، توقع و ترسی نداشته باشد. برای همین خود را در مقابل قاتلی دید که همچنان به بقا چسبیده بود و ترس از مردن داشت. برای همین در نخستین حمله قاتل، بر او پیروز شد. حرف استاد هم همین بود. کسی که همه چیز را رها کند، همه چیز را به دست آورده است.

تقویم تاریخ

زادروز خالق دوزخ، برزخ و بهشت

۷۵۷ سال پیش، برابر ۱۴ می ۱۲۶۵ میلادی، دانته آلیگیری شاعر و نویسنده شهیر ایتالیایی در فلورانس به دنیا آمد. از دانته به عنوان برجسته ترین شاعر قرون وسطا نام برده شده است. دانته یک ملی گرای ایتالیایی بود و آرزو داشت وطنش بار دیگر وحدت خود را باز یابد و معتقد بود زبان واحد کمک بزرگی به تأمین وحدت یک ملت می کند. او در طول زندگی خود دست به نگارش آثار متعددی زد که معروف ترین آنها «کمدی الهی»، «زندگانی نو»، «ضیافت» و «سلطنت» است. کتاب مشهور «کمدی الهی» در سه بخش نوشته شده است: «دوزخ»، «برزخ» و «بهشت». دانته ۱۳ سپتامبر ۱۳۲۱ میلادی در تبعید درگذشت.

ادوارد جنر، بنیان گذار واکسیناسیون

۲۲۶ سال پیش، برابر ۱۴ می ۱۷۹۶ میلادی، با تزریق عامل ضعیف شده بیماری آبله به یک پسر بچه ۸ ساله، توسط ادوارد جنر پزشک شهیر انگلیسی، عمل واکسیناسیون بنیان گذاشته شد. ایمن سازی (واکسیناسیون) بر پایه استفاده از عامل ضعیف شده بیماری ها استوار شده است و ادوارد جنر نخستین کسی بود که این قابلیت را دریافت. او فهمید بدن انسان اگر بتواند تا قبل از این که بیماری به حد اعلا قدرت خود برسد پادتن تولید کند، دیگر در برابر آن بیماری تسلیم نخواهد شد. جنر از عامل بیماری آبله گاوی برای مضمون سازی پسر باغبان خود استفاده کرد و نتیجه این شد که پسرک در برابر آبله انسانی نیز مصونیت یافت.

نمایشنامه نویس نوگرای اهل سوئد

۱۱۰ سال پیش، برابر ۱۴ می ۱۹۱۲ میلادی، یوهان آوگوست استریندبری، نویسنده شهیر سوئدی در ۶۳ سالگی بر اثر ابتلا به سرطان معده درگذشت. اهل فن استریندبری را در کنار سورن کیرکگارد، هنریک ایبسن و هانس کریستین آندرسن از تأثیرگذارترین نویسندگان اسکاندیناوی به شمار می آورند. او همچنین از بنیان گذاران تئاتر مدرن شمرده می شود و درست به همین خاطر در وطنش به شکسپیر سوئد معروف است. استریندبری از پیشگامان نوگرایی در ادبیات سوئد بود و مجموعه آثارش در زبان سوئدی به بیش از ۵۰ اثر می رسد. از میان نمایشنامه های او می توان به «سونات اشباح»، «به سوی دمشق» و «طلبکارها» اشاره کرد.

پیمان ورشو، دوره می بلوک شرق

۶۷ سال پیش، برابر ۱۴ می ۱۹۵۵ میلادی، پیمان ورشو با حضور نمایندگان کشورهای آلبانی، مجارستان، لهستان، بلغارستان، چکسلواکی، رومانی، آلمان شرقی و شوروی در ورشو پایتخت لهستان منعقد شد. اعضای پیمان ورشو متعهد بودند در مناسبات خود از تهدید و اعمال زور خودداری کنند و در صورتی که عضوی از اعضای پیمان ورشو در اروپای شرقی، مورد حمله قرار گرفت، سایر کشورهای عضو به دفاع از آن کشور اقدام کنند. این پیمان پس از ۲۶ سال فعالیت، به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در ۲۵ فوریه ۱۹۹۱ میلادی منحل شد.

معما

تولد شر مطلق در قلب خاورمیانه

باعث شد آنها در پیش چشم مردم مسلمان منطقه و حتی دنیا خوار و خفیف شوند. پس از خوابیدن لیب شعله های جنگ بین الملل اول، «جامعه ملل» قیمومیت فلسطین را به بریتانیا سپرد. آرتور بالفور، وزیر امور خارجه انگلستان در همان اوایل اشغال فلسطین با صدور بیانیه ای که به «بیانیه بالفور» معروف شد، ایجاد سرزمینی برای یهودیان در سرزمین فلسطین را به رسمیت شناخت. صدور بیانیه بالفور را بیش از هر چیز باید وامدار تلاش های والتر روتشیلد بانکدار یهودی الاصل انگلیسی و همچنین حییم وایزمن رئیس وقت سازمان جهانی صهیونیسم قلمداد کرد. این میان مهاجرت مستمر و چراغ خاموش یهودیان از سراسر جهان به فلسطین یکی از نتایج تاسف برانگیز ۳۰ سال قیمومیت بریتانیا بر این سرزمین بود. پروژه ای که سه دهه بعد میوه تلخ آن با تشکیل دولت نامشروع اسرائیل به ثمر نشست و هنوز و همچنان ملت های مسلمان منطقه درگیر تبعاتش هستند.

عربستان سعودی و یمن با این رژیم نامشروع رادر پی داشت. اما مداخله نظامی اعراب به دلیل تشتت مواضع و اختلافات مسلمانان (خصوصاً اعراب) و از طرفی برتری لجستیکی اشغالگران که حمایت آشکار و نهان قدرت های جهانی را نیز پشت سر خود داشتند، به سرانجام مطلوبی منجر نشد و اشغال سرزمین فلسطین ادامه یافت. برخی تاریخ دانان مسلمان بر این باورند تشکیل دولت نامشروع اسرائیل در سرزمین های مقدس مسلمانان نه از ۱۴ می ۱۹۴۸ که ۹۶ دسامبر ۱۹۱۷ کلید خورده بود. در این روز نظامیان انگلیسی به فرماندهی ژنرال ادmond آلتی از مرزهای امپراتوری عثمانی گذشتند و شهر بیت المقدس را به اشغال خود درآوردند. از دست دادن یک تکه زمین برای دولت عثمانی که قافیه جنگ جهانی اول را باخته بود، شکست چندین بزرگی محسوب نمی شد. اما اهمیت فلسطین به لحاظ سابقه مذهبی و سیاسی آن بر هیچ کس پوشیده نبود و این اهمال کاری عثمانی ها

در صحنه ای از فیلم «بازمانده» اثر زنده یاد سیف اله داد که به نوعی روایتی غم انگیز از اشغال فلسطین است، تعدادی از اعراب فلسطینی به خاطر خروج نیروهای اشغالگر انگلیسی از سرزمین شان ابراز شادمانی می کنند. این میان یک جوان عرب خوشحالی آنها را بی مورد خوانده و هشدار می دهد «اگر ما امروز از رفتن انگلیسی ها آگاه شده ایم، یهودی ها چند ماه است که از این موضوع مطلع هستند و با جمع آوری سازو برگ آماده جنگ شده اند». ۲۴ سال پیش، برابر ۱۴ می ۱۹۴۸ میلادی، در پی پایان قیمومیت بریتانیا بر سرزمین فلسطین و خروج نظامیان این کشور، دولت غاصب اسرائیل در سرزمین های اشغالی اعلام موجودیت کرد. در این روز یوید بن گوریون، رئیس کمیته اجرایی آژانس یهود، تاسیس رژیم اسرائیل در حدود نیمی از خاک فلسطین را به طور رسمی اعلام کرد. این اقدام اعلان جنگ مصر، سوریه، اردن، عراق، لبنان،



یحییام وایزمن، نخستین رئیس دولت اسرائیل

یک قضاوت عجولانه

خانم معلم پسرک را پای تخته آورد و از او پرسید: «اگر من به تو یک سیب، یک سیب بیشتر و یک سیب دیگر بدهم تو چند تا سیب خواهی داشت؟» پسر بچه بعد از چند ثانیه با اطمینان گفت: «۴ تا!» معلم متعجب شد چون انتظار یک جواب صحیح را داشت. با خود فکر کرد: «شاید بچه درس را خوب گوش نکرده است.» تکرار کرد: «خوب گوش کن پسر، خیلی ساده است. اگر به دقت گوش کنی می توانی جواب صحیح بدهی. اگر من به تو یک سیب، یک سیب دیگر و یک سیب بیشتر بدهم تو چند تا سیب خواهی داشت؟» پسرک که در چهره معلم خود ناامیدی را می دید دوباره شروع کرد به حساب کردن با انگشتان. تلاش او برای یافتن جواب صحیح نبود، تلاشش برای یافتن جوابی بود که معلم اش را خوشحال کند. برای همین با تامل پاسخ داد: «۴ تا!» ناامیدی در چهره معلم باقی ماند. او ناگهان به یاد آورد که پسرک خیلی توت فرنگی دوست دارد. با خود فکر کرد شاید پسرک سیب دوست ندارد و برای همین نمی تواند تمرکز داشته باشد. در این لحظه او پسر بچه را مورد خطاب قرار داد که: «اگر من به تو یک توت فرنگی، یکی دیگر و یکی بیشتر توت فرنگی بدهم، تو چند تا توت فرنگی خواهی داشت؟» پسرک با انگشتانش حساب کرد و جواب داد: «۳ تا». حالا خانم معلم تبسم پیروزمندانانه ای بر لب داشت. برای کسب این موفقیت خواست به خودش تبریک بگوید، ولی یک چیز باقی مانده بود. او دوباره از پسر بچه پرسید: «حالا اگر من به تو یک سیب و یک سیب دیگر و یک سیب بیشتر بدهم تو چند سیب خواهی داشت؟» پسرک فوری جواب داد: «۴ تا!» خانم معلم که مهوت شده بود با صدایی خشمگین پرسید: «آخر چطور؟!» پسرک با تامل پاسخ داد: «خانوم اجازه؟! برای اینکه من به سیب هم توی کیفم دارم!»

فوکوس



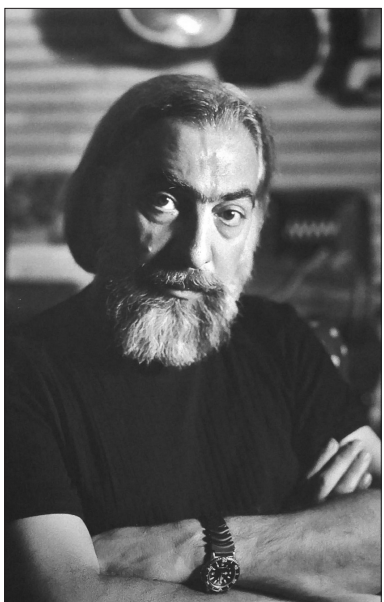
فرانک سیناترا و لوچیانو پواراتی در آغوش هم - ۱۹۸۹

۲۴ سال پیش، برابر ۱۴ می ۱۹۸۹ میلادی، فرانک سیناترا، خواننده و بازیگر شهیر آمریکایی، در ۸۲ سالگی درگذشت. سیناترا اواسط دهه ۴۰ میلادی به خاطر صدای صاف و شخصیت جذابش عنوان موفق ترین خواننده تک خوان زمان خود را داشت و از این لحاظ کسی را یاری رقابت با او نبود. او همچنین یکی از اعضای گروه سرگرمی و موسیقی Rat Pack (دسته موش ها) بود که دیگر اعضای آن رادین مارتین، سامی دیویس جونیور و بیترا لافورد تشکیل می دادند. نشریه «رولینگ استون» از سیناترا به عنوان بزرگترین خواننده پاپ سده بیستم یاد کرده است. او در دوران کاری خود بیش از ۱۴۰۰ ترانه اجرا کرد و ۱۰ جایزه گرمی گرفت. سیناترا علاوه بر عرصه موسیقی، در سینما هم موفق بود و ضمن بازی در نزدیک به ۵۰ فیلم بلند، برای «از اینجا تا ابدیت» محصول ۱۹۵۳ و ساخته فرد زینه مان، برنده اسکار بهترین بازیگر مرد نقش مکمل شد. «بعضی دوان دوان آمدند»، «مرد ها و عروسک ها»، «قطار سریع السیر فون راین» و «غریبه ها در شب» از دیگر فیلم های مطرح او هستند.

فرجام

آهنگساز و سنتور نواز شیدا

۶۷ سال پیش، برابر ۲۴ اردیبهشت ۱۳۳۴ خورشیدی، پرویز مشکاتیان، آهنگساز و نوازنده سنتور در نیشابور به دنیا آمد. مشکاتیان مقدمات موسیقی همچنین نواختن سازهای سنتور، ویولن و سه تار را نزد پدرش حسن مشکاتیان فراگرفت. او سال ۱۳۵۳ و پس از ورود به دانشکده هنرهای زیبا، به آموختن «ردیف میرزا عبد الله» نزد نوری علی خان برومند و «ردیف موسیقی سنتی» نزد دکتر داریوش صفوت پرداخت. مشکاتیان از سال ۱۳۵۶ خورشیدی همکاری با رادیو ارت تحت نظر هوشنگ ابتهاج آغاز کرد. او پس از واقعه ۱۷ شهریور ۵۷ از رادیو استغفا داد و موسسه چاووش را با همکاری هنرمندان گروه عارف و شیدا تشکیل داد. پرویز مشکاتیان از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ برای یک دهه با محمدرضا شجریان به عنوان آهنگساز و نوازنده سنتور همکاری داشت که نتیجه این همکاری خلق آلبوم های ماندگاری چون «دود عود»، «سر عشق»، «نوا»، «دستان»، «بیداد»، «استان جانان» و «گنبد مینا» بود. در کارنامه او آثاری ماندگار با همکاری نوازندگانی چون محمدرضا لطفی و حسین علیزاده و همچنین خوانندگانی چون شهرام ناظری، ایرج بسطامی، علیرضا افتخاری، علی جهاندار، حمیدرضا نوریخس و علی رستمیان را می توان مشاهده کرد. پرویز مشکاتیان ۳۰ شهریور سال ۱۳۸۸ در اوج شکوفایی هنری، بر اثر نارسایی قلبی در ۵۴ سالگی درگذشت.



شرح بی نهایت

گرگ اجل

بر خاطر آزاده غباری ز کسم نیست / سرو چمنم، شکوه ای از خار و خشم نیست از کوی تو بی ناله و فریاد گذشتم / چون قافله عمر نوای جرمم نیست افسرده ترم از نفس باد خزان / کان تو گل خندان نفسی هم نفسم نیست صیاد ز پیش آید و گرگ اجل از بی / آن صید ضعیفم که ره پیش و پشم نیست بی حاصلی و خواری من بین که در این باغ / چون خار به دامان گلی دسترسم نیست از تنگدلی پاس دل تنگ ندارم / چندان کسم اندوه که اندوه کسم نیست امشب رهی از میکده بیرون نهمم پای / آزاده دردم دو سه پیمانم بسم نیست رهی میری

آب روان

به هویت چواوست با اسماء / آن هویت طلب کن از اشیاء از هویت خبر اگر داری / به هویت خدا بود با ما گرچه آب روان بود در جو / بخور آبی ولیکن از دریا دامن خود بگیر و خوش بنشین / تا به کی می روی تو جاز جا با تو مقصود تو است هم خانه / در به در می روی کجا و چرا از خودی بگذر و خدا را جو / چند باشی مقید من و ما همچو سید از این و آن بگذر / تا بیایی مراد هر دو سرا شاه نعمت الله ولی